

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

صبا راهی
۲۶ اکتوبر ۲۰۲۲

اعتراضات در برلین در دو دوره تاریخ

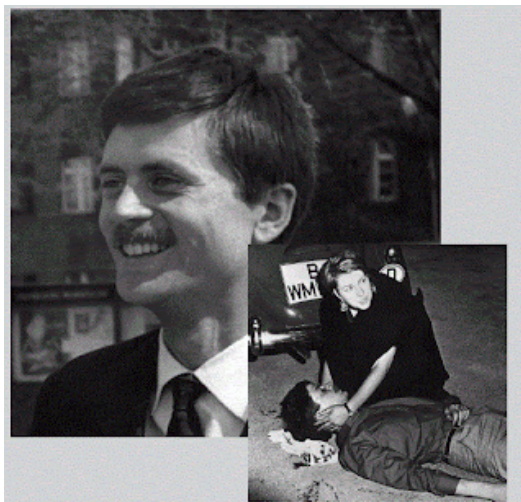
یکی علیه سرکوب و کشتار آزادیخواهان توسط دیکتاتوری شاه دیگری علیه ادامه همان سرکوب و کشتار توسط رژیم همتایش دیکتاتوری اسلامی.

این نوشته مروری کوتاه به دو دوره تاریخی از مبارزات ضد دیکتاتوری های (شاهنشاهی و اسلامی) در شهر برلین پایتخت المان دارد و در پایان به نتیجه گیری مختصر می پردازد.

برلین اول و دوم جون ۱۹۶۷

در اول ماه جون ۱۹۶۷ در پی سفر شاه و همسرش به برلین غربی دانشجویان و محصلین ایرانی و المانی و ملیت های دیگر و ایرانیان مخالف رژیم شاه در بیرون محوطه تالار شهر اشکونبرگ (مقر دولت برلین غربی) علیه سیاست های سرکوبگرانه شاه دست به اعتراض می زنند و شاه را در شعارهایشان به خاطر به خون کشیدن صحنه دانشگاه کشتار دانشجویان و دگر اندیشان "قاتل" خطاب می کنند.

در دوم جون بینو اونزرگ دانشجوی ۲۶ ساله المانی که در تظاهرات اعتراضی علیه جنایات شاه ایران در مقابل خانه اپرا در برلین غربی شرکت کرده بود توسط پولیس المان به قتل می رسد .



پولیس المان در آنزمان به عوض این که حافظ امنیت جان تظاهر کنندگان باشد به ضرب و شتم وحشیانه آنان دست زد و بدتر از آن نیروهای امنیتی خارجی (سرکوبگران ساواک نیز) اجازه یافته بودند تا با چوب های بلاکادرها در خیابان های برلین به جان تظاهر کنندگان افتاده آنها را مورد هجوم خونبار و وحشیانه خود قرار دهند. (ماجرای قتل و چگونگی رسیدگی به پرونده قتل او را در لینک زیر دنبال نمایید)

<https://www.youtube.com/watch?v=plhvsIEUvQA>

و چندین تصویر از حمله وحشیانه پولیس المان و نیروهای سرکوبگر ساواک به تظاهر کنندگان در دو روز تظاهرات ضد شاه.





آنچه تاریخ شاهد نتایج رسیدگی به پرونده قتل بینو اونزرگ بود باز هم دور از ذهن نبود، تبرئه یک پولیس متهم به قتل، گزارشات افتراء آمیز دالانهای رسانه نی، یکطرفه به قاضی رفتن دیدگاه های رهبران سیاسی. آنهم به دلیل باج های نجومی بود که شاه از حاصل دسترنج کارگران و زحمتکشان ایران به حامیان تخت و تاجش می پرداخت آنگونه که رهبران سیاسی آنزمان او را فردی "لارژ" (دست و دل باز) لقب داده بودند!

تظاهرات ۲۲ اکتوبر ۲۰۲۲ در برلین

اما چیزی که در روز شنبه ۲۲ اکتوبر اتفاق می افتاد تظاهراتی بود که تنها چشم به جنایات رژیم به فراخوان فردی به نام حامد اسماعیلیون دوخته بود! کسی که مدعی شده بود که هزاران نفر در این تظاهرات شرکت می کنند. حامد اسماعیلیون سخنگوی انجمن خانواده جان باختگان هواپیمای اوکراینی می باشد که در جریان یک جنایت ددمنشانه توسط راکت های رژیم اسلامی سقوط کرد و سرنشینان آن کشته شدند.

در این تظاهرات آنچه به چشم می خورد پوشش خبری بود که رسانه های المانی و سایر کشورها از این تظاهرات با دست و دل بازی نشان می دادند. پرچم سلطنت و پولیسی که در اول و دوم جون ۱۹۶۷ تظاهرات کنندگان ضد شاه را

وحشیانه مورد ضرب و شتم قرار می داد و خیابانهای برلین را زیر پای شاه با خون تظاهرکنندگان فرش قرمز پهن کرده بود و یک دانشجو را هم به قتل رسانده بود امروز داشت داشت از جان تظاهرکنندگان "حفاظت" می کرد!

تنها یک سؤال در ذهن بزرگ تر می شد و آن سؤال این بود:

آیا کسانی که امروز در کنار پرچم شاهنشاهی- که آغشته به خون بسیاری از دانشجویان، روشنفکران، دگراندیشان، کارگران، نویسندگان و شاعران و روزنامه نگاران آزادیخواه، فلم برداران، زنان و مردانی که علیه خفقان و سرکوب معترضان، ستم طبقاتی، تبعیض، غارتگری دسترنج مردم توسط دربار هزار فامیل، محرومیت اقلیت های قومی، و بریز و بپاش هائی مانند جشن های دوهزار و پانصد ساله که اوین را پر کرده بود از معترضان محصل و دانشجو و کارگر و کارمند در طیف های مختلف می باشد- قرار می گیرند به راستی مفهوم آزادی را می دانند؟ مفهوم مرگ بر ستمگر چه شاه باشد چه رهبر را می دانند؟ یا منافع حقیر شخصی شان آنان را "به خواب" زده؟ که امروز فردی به نام حامد اسماعیلیون که نخست وزیر کانادا و دیگر نهادهای بین المللی را پشت خود دارد که با دست و دلبازی میکروفون را در اختیارش قرار می دهند سوار بر موج خروشان قیام در ایران می کنند؟

حامد اسماعیلیون که تا دیروز کتابهایش توسط وزارت ارشاد به چاپ می رسید و آنزمان گوشه چشمی هم به کشتار رژیم و اعتراضات خیابانی نداشت امروز فعال مدنی شده است و فریاد "زن زندگی آزادی" می دهد چرا؟ چطور؟ چطور است که یکی به نعل و یکی به میخ می کوبد و در یکی از سخنرانی هایش در جمع داغداران حادثه هواپیما می گوید که او فقط به مسایل اجتماعی می پردازد نه سیاسی چرا که در حیطه او نیست و وقتی یکی از زنان به او می گوید درخواست از دول غربی مبنی بر در لیست تروریست ها قرار دادن سپاه پاسداران سیاسی نیست؟ آدم را به فکر می اندازد که اگر این فرد بیسواد سیاسی ست چطور به خود اجازه داده که امروز مانند خمینی سوارش بر موج قیام مردم در ایران کنند!!!"

فرض که حامد اسماعیلیون بعد از دست دادن هولناک همسر و فرزندانش وجدانش نسبت به جنایات بیشمار رژیم اسلامی بیدار شده است، خب اگر وجدان کسی از جنایات این رژیم به درد و به خشم می آید چطور است که از جنایات شاه جلا دادنش به درد و به خشم نمی آید و حاضر می شود در کنار آن پرچم آغشته به خون آزادیخواهان، مردم فریبی کند و فریاد " آزادی آزادی آزادی " سر دهد. مگر همین امروز شعبان بی مخ های سلطنت طلب نعره نمی کشند که همه زیر یک پرچم آنها شیر و خورشید را نمی بیند؟ یا این که این یک زد و بند از قیل طراحی شده نیست؟ که هست!

حامد اسماعیلیون که یک روز مسئول پیشبرد پرونده دادخواهی حادثه هواپیما می شود، یک روز فعال اجتماعی می شود، یک روز در **ظاهر مارتین لوترکنیگ "رؤیا"** پرداز می شود، نه تنها نتوانسته پرونده دادخواهی هواپیما را موفقیت آمیز به پیش برد (دولت کانادا اعلام داشته که شلیک به هواپیما توسط سپاه پاسداران "عمدی" نبوده است) ضمن سرگرم کردن خانواده های داغداران اما در عوض نخست وزیر کانادا را در کنار خود دارد و حمایت های مالی دولت ایشان هم "بی دریغ" نثار راه " آزادی زن" ایران می شود؟ ایشان که حاضر نیست به کسی در مورد حساب و کتاب انجمنی که بر پا کرده است حساب پس بدهد و می گوید باید "عضو انجمن" باشید تا پاسخگو باشد چطور می تواند فردی متعهد و پاسخگو باشد! او حال سوار بر موجی شده که آدم را بی اختیار یاد موج سواری خمینی می اندازد که هر روز زیر درخت در نوفل لوشاتو پاریس سناریو های مختلف ارائه می داد یک روز می گفت مارکسیست ها هم آزادند، اما کسی آنروز از او نپرسید ضمانت اجرائی تو چیست؟ یک روز می گفت: من به سیاست کاری ندارم جایم در حوزه قم است. شبکه دورغ و شایعه پراکنی بی بی سی مدام پخش می کرد که مردم خمینی را در "ماه" دیده اند! ما که مردم

بودیم و در ایران، نه این که عکس خمینی جلاد را در ماه دیده باشیم یا از مردم شنیده باشیم که عکس آن جلاد را در ماه دیده باشند که امروز برخی در لباس مثلاً چپ هر لگد پراکنی که بخواهند به جنبش کمونیستی می کنند که گویا کمونیست ها "مروج شایعه های ضد مردمی بی بی سی مرتجع بوده اند."

هر فعال مدنی که مدعی آزادیخواهی ست وظیفه دارد که تاریخ را بخواند و درست هم بخواند به خصوص تاریخ معاصر را. هر فعال مدنی آزادیخواهی وظیفه وجدانی دارد که سرپوش بر جنایات مهلک رژیم های قبل نگذارد تا مسیرش به بیراهه نرود. هر فعال مدنی با وجدان وظیفه دارد که از وارثان تاج و تخت که انگل وار از دسترنج مردم ایران زندگی "شاهانه" می کنند بپرسد که چرا جنایات پدر جلادشان را که هر مخالفی را به چوبه تیرباران می بست محکوم نمی کنند؟؟ و اساساً چطور این وارثان و همپالگی هایشان می توانند در صف آزادیخواهان قرار بگیرند؟ این روزها رضا پهلوی هم عین گفته خمینی را تکرار می کند "مارکسیست ها هم آزادند" و کسانی که با شعار مردم فریبانه "دوباره همه با هم" گرد پرچمش جمع می شوند نمی پرسند ضمانت اجرایی ات چیست؟ ما که می دانیم ضمانت اجرایی اش اوین و قزل حصار و سایر زندان هاست.

آزادی مگر فقط در بی حجابی زن است؟

وقتی مناسبات اقتصادی یک مملکت بر پایه استثمار و خفقان بر پا شود هیچ کس آزاد نیست چه زن چه مرد! مگر ما در ایران در شرایط "دموکراتیک" قرار داریم که هر گروه و سازمان سیاسی آزادانه به فعالیت و تبلیغ برای خود بپردازد؟ که آن را در فراخوان های خارج از ایران در بوق و کرنا می دمید؟ که همه با هم دموکراسی را تمرین کنیم! به ویژه کسانی که میکروفون را جلوی دهان سلطنت طلبان می گیرند! مگر نمی شنوید که رضا پهلوی اعلام می کند که به "برادران پاسدار و بسیجی" اش نیاز دارد؟ پرسیده اید نیازت به سپاه و بسیج برای چیست؟ برای برادران سپاهی و بسیجی اش "ترانه سرایی" می کنند؟ مگر نمی دانیم که سپاه پاسداران چه نقشی در سرکوب، چپاول دسترنج و منابع ایران و سرکوب حق طلبی های آزادیخواهان در خاورمیانه دارد؟ مگر همین الان خون جوانان را در کف خیابانها بر زمین نمی ریزند؟ **مگر اوین را سپاه به آتش نکشید؟**

مردم در ایران هنوز هم فرصت دارند که خود را سازماندهی کنند نیرو و گروه های سیاسی در داخل کشور فرصت دارند که مردم را به مسیر درست هدایت کنند و به هیچ وجه و تحت هیچ شرایطی اجازه ندهند خارج نشینان بی هویت سیاسی امثال حامد اسماعیلیون موج سوار انقلاب شوند تا اهداف اربابان شاه و ملا را به احراء در آورند. اگر قرار است ما درسی از انقلاب ۵۷ گرفته باشیم در دو مورد اساسی خلاصه می شود:

یک : فریب شعار همه با هم را نباید خورد. این شعار غلط یک بار نتایج تلخ خود را در تاریخ ثبت کرده است.
دو : فریب انشا های سوزناک بچه شاه و مادرش و رویاهای بی پایه و اساسی افرادی چون حامد اسماعیلیون که هیچ ضمانت اجرایی ندارد را نباید خورد.

صبا راهی

۲۳ اکتوبر ۲۰۲۲